

تفکر و اندیشه

۱

بخش اول

آب، نعمت بی نظیر خداوند، جلوه زیبایی و طراوت، مظهر پاکی و زلالی و عامل اصلی ادامه حیات است. در نبود آب، از آواز دلنشین پرندگان، طراوت شکوفه‌های درختان، تبسم گل‌های زیبا و رنگارنگ طبیعت خبری نخواهد بود. اگر آب نباشد، حس تماشا و لذت مفهومی ندارد؛ آری، آب مایه حیات و ریشه تمام زیبایی‌ها و اساس زندگی در جهان هستی است.

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا^۱

بشر با آب نیازهای طبیعی و جسمی‌اش را برطرف می‌سازد و ادامه حیاتش را میسر می‌گرداند و به‌طور کلی آب، حیات‌بخش جهان مادی و از جمله بشر است
لنحیی به بلده میتاً^۲

اما چه چیزی به روح و درون انسان حیات و شادابی و طراوت می‌بخشد؟ چگونه می‌توان به این اکسیر حیات دست یافت؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ^۳

ای مؤمنان، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید؛ آنگاه که شما را به چیزی فرا می‌خواند که زندگی و حیات‌تان می‌بخشد.

۱- سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۲- سوره فرقان، آیه ۴۹.

۳- سوره انفال، آیه ۲۴.



دست‌اول

هدایت الهی



هر کدام از ما انسان‌ها، امیدها و آرزوهایی کوچک و بزرگ، اما متفاوت از یکدیگر داریم و خوشبختی خویش را در برآورده شدن آنها جست‌وجو می‌کنیم و رضایت از زندگی را وابسته به آنها می‌دانیم و همواره دنبال برنامه‌ای هستیم که بتواند ما را به بهترین شکل، به سعادت برساند. نیاز دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای که بتواند پاسخگوی نیازهای او باشد و سعادت بشر را تضمین کند، سبب شده است که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه تعاریف متفاوت و گاه متضاد از معنای سعادت و خوشبختی از جانب مکاتب بشری باشیم. این مکاتب با ادعای رساندن بشر به سعادت، برنامه‌هایی را ارائه داده‌اند.

اما به‌راستی یک برنامه مناسب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟
آیا می‌توان به برنامه‌های این مکاتب اعتماد کرد و زندگی را براساس آنها بنا نهاد؟
آیا انسان می‌تواند با تکیه بر عقل خویش برنامه کاملی را برای سعادت بشر ارائه دهد؟

نیازهای برتر

انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاک. خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاهی از آنها را به انسان داده است. در وقت نیاز به آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کند و سراغ آب و غذا می‌رود. هنگام سرما و گرما، از مصالح موجود در طبیعت بهره می‌برد و برای خود لباس و پوشاک و مسکن تهیه می‌کند.

اما نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود؛ زمانی که انسان، اندکی از سطح زندگی روزمره و نیازهای طبیعی فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهایی مهم‌تر از نیازهای طبیعی و غریزی روبه‌رو می‌بیند. نیازهایی که برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به انسان عطا کرده است.^۱ پاسخ صحیح به این نیازهای اساسی است که سعادت انسان را تضمین می‌کند.

این نیازها به تدریج به دل‌مشغولی، دغدغه و بالاخره سؤال‌هایی تبدیل می‌شوند که تا پاسخ آنها را نیابد، آرام نمی‌گیرد. برخی از این نیازها عبارت‌اند از:

۱- شناخت هدف زندگی: همان‌طور که در سال گذشته آموختیم، انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند؟» و کدام هدف است که می‌تواند با اطمینان خاطر زندگی‌اش را صرف آن کند؟ او می‌داند که اگر این هدف حقیقی را نشناسد یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده است درحالی که فرصت و توانایی جبران هم ندارد.

۲- درک آینده خویش: انسان با این سؤال مهم و اساسی نیز روبه‌رو است که: «آینده او چگونه است؟»، «آیا زندگی با مرگ تمام می‌شود یا دفتر حیات به شکل دیگری گشوده می‌گردد؟» او اگرچه با کمک عقل خود می‌تواند به درک این حقیقت برسد که بنا بر حکمت و عدل خداوند، مرگ پایان همیشگی زندگی‌اش نیست، اما نمی‌داند که نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است؟ زاد و توشه سفر به آنجا چیست؟ و خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟

۳- کشف راه درست زندگی: راه زندگی یا «چگونه زیستن» که ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد، دغدغه دیگر انسان‌های فکور و خردمند است؛ به خصوص که انسان فقط یک‌بار به دنیا می‌آید و یک‌بار آن را تجربه می‌کند. انسان می‌داند که اگر راه و برنامه درست زندگی را انتخاب نکند، به آن هدف برتری که خداوند در خلقت او قرار داده، نخواهد رسید و به زیان بزرگی گرفتار خواهد شد که پایان ندارد. اما راه درست زندگی کدام است؟ چگونه می‌توان آن را به دست آورد؟

۱- با این سرمایه‌ها در سال گذشته آشنا شدید.

در آیات سورهٔ عصر تدبّر کنید و به سؤال‌های طرح شده پاسخ دهید :

والعصر، ان الانسان لفي خسر، الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق
و تواصلوا بالصبر

۱- چرا خداوند در این سوره به زمان سوگند خورده است؟

۲- چه زبانی انسان را تهدید می‌کند؟

سؤال‌هایی از قبیل چیستی «هدف انسان»، «آیندهٔ او» و «راه درست زندگی»، دغدغه انسان‌های جست‌وجوگری است که برای خود و فرصت زندگی‌ای که در اختیارشان قرار گرفته ارزش قائل‌اند و نمی‌خواهند این موهبت یگانه و تکرارناپذیر را به آسان، هدر دهند. این یک دغدغه و دل مشغولی مقدس است، زیرا نشان‌دهندهٔ بیداری و هوشیاری انسان و توجه وی به ارزش زندگی و آگاهی از زبانی است که در صورت نیافتن پاسخ، در انتظار اوست. از این رو :

روزها فکر من این است و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم^۱

اما این پایان کار انسان دغدغه‌مند نیست، بلکه او به دنبال پاسخی شایسته به نیازهای برتر خویش است تا براساس آنها از فرصت خویش بهره‌برد و آرامش یابد. اما به راستی چگونه پاسخی را می‌توان مبنای زندگی قرار داد؟

برای اینکه پاسخ به این نیازها، پاسخی راهگشا باشد، باید حداقل دو ویژگی زیر را داشته باشد :

الف) کاملاً درست و قابل اعتماد باشد؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است. درحالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، به‌خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون هستند.

ب) همه‌جانبه باشد؛ به طوری که به نیازهای مختلف انسان پاسخ دهد. زیرا ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی وی پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و نمی‌توان برای هر بُعدی برنامه‌ریزی جداگانه‌ای کرد.

۱- دیوان شمس، مولوی.

کسی می‌تواند انسان را در پاسخ‌گویی به این نیازها راهنمایی کند که :
 آگاهی کاملی از خلقت انسان، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و ظریف روحی و جسمی و نیز
 فردی و اجتماعی او داشته باشد.
 همچنین بدانند که انسان‌ها، پس از مرگ، چه سرنوشتی دارند و چه عاقبتی در انتظار آنهاست.

فعالیت کلاسی

الف) با توجه به توضیحات، بررسی کنید آیا دستگاه تفکر انسان به تنهایی می‌تواند به نیازهای
 برتر انسان پاسخ کامل و جامع دهد؟
 ب) آیا مکاتب ساخته بشر می‌توانند مسیر سعادت را به‌طور کامل طراحی کنند؟ چرا؟

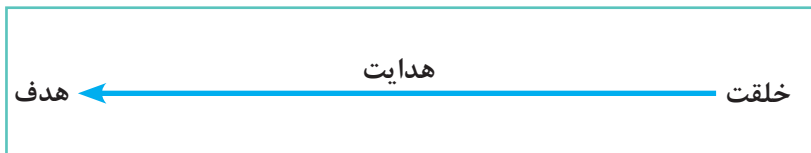
شیوهٔ هدایت خداوند

دانستیم خداوند پاسخ به نیازهای طبیعی انسان را در دستگاه عظیم خلقت قرار داده است؛ اکنون
 می‌خواهیم بدانیم از آنجایی که انسان قادر به پاسخگویی به نیازهای برتر خود نیست، خداوند چگونه به
 این نیازهای او پاسخ داده است؟ آیا خداوندی که به نیازهای طبیعی و غریزی انسان پاسخ داده، انسان
 را در وادی نیازهای برتر و متعالی سرگردان رها کرده است؟

خدای جهان، آفریدگاری حکیم است؛ یعنی هر مخلوقی را برای هدفی معین خلق می‌کند و برای
 رسیدن به آن هدف، او را هدایت و راهنمایی می‌فرماید. پس هدایت، یک اصل عام و همگانی در نظام
 خلقت است.

پروردگار ما کسی است که بخشیده
 به هر چیزی آفرینش را
 و سپس { او را } هدایت کرده است.

رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى
 كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ
 ثُمَّ هَدَىٰ



خداوند همه مخلوقات را هدایت می‌کند اما شیوه هدایت مخلوقات متفاوت است؛ توضیح آنکه هر مخلوقی، متناسب با ویژگی‌هایی که خداوند برایش قرار داده است هدایت می‌شود.^۱ انسان سرمایه‌های ویژه‌ای دارد که او را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند و همین امر سبب تفاوت شیوه هدایت وی از سایر مخلوقات شده است.

یکی از این سرمایه‌ها توانایی تفکر و انجام کارها به کمک فکر و اندیشه و دیگری قدرت اختیار و انتخاب است. با توجه به این دو سرمایه است که فعالیت‌های انسان را اختیاری می‌نامند. انسان، ابتدا درباره هرکاری که می‌خواهد انجام دهد، تفکر می‌کند و اگر به هر دلیلی تشخیص داد که آن کار مفید است و او را به هدفی که دارد می‌رساند، آن را انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد.

بنابراین، هدایت خداوند نیز از مسیر این دو ویژگی می‌گذرد. یعنی خداوند برنامه هدایت انسان را از طریق پیامبران می‌فرستد؛ این برنامه که دربرگیرنده پاسخ به سؤالات بنیادینی است که اندیشه بشر به تنهایی نمی‌تواند به آنها پاسخ دهد، توسط رسولان به مردم ابلاغ می‌شود تا انسان با تفکر در این برنامه و پی بردن به ویژگی‌ها و امتیازات آن با اختیار خودش این برنامه را انتخاب کند و در زندگی به کار بندد و به هدفی که خداوند در خلقتش قرار داده برسد.

انسان با عقل خود در پیام الهی تفکر می‌کند و با کسب معرفت و تشخیص بایدها و نبایدها، راه صحیح زندگی را می‌یابد و پیش می‌رود.

امام کاظم 7 به شاگرد برجسته خود، هشام بن حکم، فرمود:

ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آنکه این بندگان در پیام الهی تعقل کنند.

کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل‌تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.

ای هشام، خداوند دو حجت^۲ بر مردم دارد: حجتی آشکار و حجتی نهان. حجت آشکار، رسولان و انبیا و ائمه‌اند و حجت نهان، همان عقل انسان‌هاست.^۳

۱- به طور مثال، زنبور عسل که ساختمان بدنی ویژه خود را دارد و برای تولید عسل باید مکان مخصوص خود را تهیه کند، خداوند او را هدایت می‌کند تا آن کندوی مخصوص را بسازد (سوره نحل، آیه ۶۸).

۲- حجت، آن دلیلی است که برای قانع کردن یا محکوم کردن دیگری به کار می‌رود. خداوند با این دو حجت در مقابل گناهکاران و گمراهان که می‌خواهند بگویند راهی برای تشخیص حق نداشتیم، استدلال می‌کند و آنان در مقابل داوری الهی پاسخگو خواهند داشت.

۳- اصول کافی، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۱۹.

البته بشر، چون قدرت اختیار دارد، می‌تواند هر برنامه دیگری را برگزیند. اما چنان‌که گفته شد، چون هر برنامه دیگری نمی‌تواند پاسخ درستی به آن نیازها بدهد، انسان زیان خواهد کرد و با دست خالی دنیا را ترک گفته و به آخرت خواهد شتافت و در آنجا زیان خود را مشاهده خواهد کرد. قرآن کریم چنین کسی را «ناسپاس» نامیده است :

«انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» سورة انسان، آیه ۳

علت ناسپاس نامیده شدن چنین فردی، این است که وی برنامه اطمینان‌بخشی را دیده، اما از انتخاب آن سربچی کرده است. عمل این فرد مانند کسی است که در هنگام تشنگی، ظرف آب گوارا را از دست دوست نگیرد و به بهانه اینکه انتخاب با خودم است، جام زهری را که ظاهراً شیرین است، بنوشد. البته چنین انسان ناسپاسی، گرفتار عمل خود خواهد شد و به هلاکت خواهد افتاد.

تکمیل کنید

اگر خداوند به سؤال‌های اساسی انسان پاسخ ندهد و او را رها کند، انسان در قیامت می‌تواند بگوید :

.....

خداوند، در قرآن کریم به این سؤال پاسخ داده که ترجمه‌اش چنین است :

«رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و اندازکننده باشند، تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند، دستاویز و دلیلی نباشد»^۱.

خداوند با راه بسته است و حجت را بر بندگان تمام کرده است.

بررسی کنید

- ۱- برای رسیدن به یک زندگی هدفمند، رضایت‌بخش و خوش‌فرجام؛ مستقیم‌ترین و مطمئن‌ترین راه، چه راهی است؟
- ۲- چه عواملی سبب می‌شود که برخی انسان‌ها قدم در کوره راه‌های نامطمئن و بدفرجام گذارند؟

۱- سورة نساء، آیه ۱۶۵.

شاید این سؤال به ذهن ما بیاید که: انسان امروز چه قدر به دین و پیام آسمانی نیازمند است؟ به عبارت دیگر: آیا آن نیازهایی که انسان‌های گذشته را به سوی خدا و دین الهی می‌کشاند، همچنان پابرجاست؟

با نگاهی به سرنوشت انسان معاصر و شرایط کنونی او، درمی‌یابیم که نه تنها آن نیازهای بنیادین قوی‌تر و جدی‌تر از گذشته پابرجاست، بلکه انسان امروز اگر به خدا و پیام الهی روی نیاورد، سرنوشت خطرناکی در انتظار اوست.

در قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم که علوم تجربی در غرب پیشرفت کرد، چنین تصور می‌شد که می‌توان با کمک این علوم به نیازهای برتر انسان پاسخ گفت. اما هر قدر که علم به پیش رفت انسان احساس کرد که نیازهای بنیادینش همچنان بی‌پاسخ مانده است. انسان امروز می‌بیند که آرامش درونی‌اش کاهش یافته، هدف متعالی زندگی وی گم شده، ظلم و بی‌عدالتی گسترش یافته، دانش و تکنولوژی در خدمت اهداف ضدانسانی صاحبان زر و زور قرار گرفته، جهان به دو قطب محروم (با جمعیتی بسیار زیاد) و ثروتمند (با جمعیتی اندک) تقسیم شده است، سلاح‌های مخرب با قدرت تخریبی فوق‌العاده جان انسان‌های مظلوم و بی‌دفاع را به راحتی می‌گیرد، انواع مواد مخدر در شکل‌های مختلف در دسترس افراد قرار گرفته، فسادهای گوناگون اخلاقی رواج یافته و استفاده‌ی ابرازی از زن، ارزش انسانی زنان را تنزل داده است.

اگر از ظاهرترین شده‌ی زندگی انسان امروز عبور کنیم و به واقعیت درونی آن برسیم، رنج بزرگ او را مشاهده می‌کنیم. انسان امروزی دریافته است که علم با همه‌ی فایده‌ها و خوبی‌هایش، به تنهایی نمی‌تواند او را از بحران‌های بزرگ رهایی بخشد و به نیازهای اساسی‌اش پاسخی مناسب دهد. همین امر، انسان را برانگیخته است که بار دیگر آهسته‌آهسته به خدا و دین روی آورد و رهایی از سرگردانی را در بازگشت به دین و معنویت جست‌وجو کند. در نتیجه، انسان امروز بیش از گذشته به پیام الهی احساس نیاز می‌کند.

در این میان، مسئولیتی سنگین برعهده‌ی ماست که از این موقعیت بهره ببریم و مردم دنیا را به بهترین دین خدا، معنویت و برنامه‌ی زندگی رهایی‌بخش آن دعوت کنیم. برای این کار باید ابتدا آگاهی عمیق و درستی از دین خود به دست آوریم. در پابندی به آن بکشیم و سپس، با

زیباترین روش‌ها به تبلیغ دین بپردازیم. خوب است بدانیم که هم‌اکنون ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی از پرطرفدارترین کتاب‌هاست و شمار کسانی که در اروپا به دین اسلام درمی‌آیند، بیش از گروندگان به سایر ادیان است.

اندیشه و تحقیق

- ۱- آیا می‌توان پاسخ به نیازهای برتر را به احساسات شخصی و سلیقه فردی واگذار کرد و گفت که می‌خواهم بدون بررسی و تحقیق کافی به این نیازها پاسخ دهم؟ چرا؟
- ۲- آیا انسان می‌تواند پاسخ دادن به این نیازها را نادیده بگیرد و براساس ضرب‌المثل «هرچه پیش آید خوش آید» رفتار کند؟ چرا؟
- ۳- قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم. پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد تنها به زیان خود عمل کرده است و تو وکیل و مدافع آنها نیستی»^۱.
این آیه بیانگر چه نکته‌هایی است؟